

## ضرب المثل ها کنایات در زبان شغنائی

تهیه و تدوین: اقبال حسام

۱۵ سرطان ۱۳۹۰



### ۱: ضرب المثلها

ضرب المثل که در زبان شغنائی به آنها (متله) گفته میشود، از جمله ژانرهای ادبیات عامیانه محسوب میشوند. ضرب المثل ها در زمان خاص و موضوع ویژه ارایه میشوند، که هدف از استعمال آن تاکید گفتار، تقویت کلام و تهذیب نفس انسانها میباشد.

تعدادی از نویسندگان ضرب المثل ها را به دو بخش تقسیم کرده اند. آن عده ضرب المثل هایی که موضوع را به شکل توصیف، کنایه، استعاره و مجاز و سطح بلند کلام هنری بیان میکنند؛ ضرب المثل و در آنهایی که معنای کنایه و مجازی دیده نمیشود؛ مقال گویند. مقال ها موضوع و مضمون را بصورت واضح و آشکار بیان مینمایند و از جهت شکل و محتوا ساده و بدون آب و رنگ هنری و بیانی هستند؛ اما از لحاظ حکمی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفی، تعلیمی و تربیتی با ضرب المثل قرابت دارند.

ضرب المثل ها و مقال ها در طول تاریخ افاده کننده، موضوعات تاریخی؛ اجتماعی و همچنان حکمت، فضل، کرم، جهان بینی و فلسفه مردم هستند.

بسیاری از ضرب المثل ها در زبان شغنائی و فارسی دری شکل مشترک را به خود قایل شده اند، که این ریشه بیشتر از لحاظ رفت و آمد های مردم و همچنان تبادل فکری شان با همدیگر در اندیشه ادبی جا گرفته است. تعدادی از ضرب المثل های فارسی دری در بین مردم شغنان مورد استعمال هستند که در ادب فارسی دری قلیل الاستعمال هستند؛ مانند: «غلام نو روبه ره بدو میگیره».

ضرب المثل ها در زبان شغنانی بیشتر بصورت ایجاز گفته شده اند و نمایانگر مشاهدات ژرف اندیشه وی مردم شغنان پیرامون حوادث زندگی ، طبیعت ، ارتباطات محلی میباشند؛ مانند: «پش خو فهنت پورگ خو فهند» یا «مردم صورت خو قز کبنتاو».

در زبان شغنانی تعدادی از ضرب المثل ها و مقال ها وجود دارند، که مرام و غایه شان آشکار ساختن افعال و کردار نا پسندی چون: خود پسندی، تنبلی، بزدلی، غرور بی مورد، سخن چینی، تقلید بی جا امساک و غیره میباشد. که اینگونه ضرب المثلها شکل انتقادی دارند و به خاطر اصلاح جامعه بکار میروند؛ مانند: «قز بنشند هم نم خلق»، «نه خوردت نه خو شهخ ارد»، «قارجین نال چودت بنرببجه خو پاذ سینت» و «مهمون تر چید نه لهکین یو لو قد مو قوش خرجین بهرنده لهکیت». اینگونه ضرب المثلها از لحاظ موضوع بسیار گسترده اند که تقریباً تمام عملکرد انسان ها را احتوا می کنند.

نمونه چندی از ضرب المثل های زبان شغنی:

(اگر در قسمت املائی کلمات کدام سکتگی رونما می گردد از جناب پامیزاد صاحب معنورم).

کمپیر رقاصه نه قهر ژید نهله پایگه تنگ. بونه یه بچت خوردن کته. بناوجک از پساف ژندم بنخ خیرت. مردم صورت خو قز کبنتاو. کد ستخون خیرتت ترخو (.....) نغورد. خیدم چه خید نازم چه چید. تقهر سینتت کنده خو دهم ژید. گبنه تر پرا کلینشک آلی. مردم در کوچاکوچت قلندری خو(....) تهبنین. بنوینچ اند وه بهر چست غهخند وم نحن. خو شوله خهت خو پرده کن. خو ژهبننتت وینچت خو وهبننت نی. ازو روندهت ازم مونده.	گبنه تر خونه خه قد صدقه بیرون روا نست. ژاو بسپهر دید خو بنوقد کهم کبنت. گوینت ته از ناخون جدا نه سود. کیل از خابن طعنه دهد چبود چه رویننتت قو بونه. کد ته بی سیایه نه جقت . قز بنشند وم ثم خلق. خبنیه تنکه از بی بونه. ژندون خورده خون نود. مرد سفر اند آزمود کهته رنک په بیل. نهرم بنخته بیرین چوننت. دزد یر غهته صاحب مال بنرمنده. با تیشه مردمون زیر کنده سنگ.
--	--

هچ برنک ته نه لوډ مو ډوغ تنبپ.  
 فلونه ره نیکهت شاشرد(.....).  
 اس خو سایه بناج ډهرت.  
 تیرین پل پلت بیرین شپل.  
 تربرین څرڅر.  
 اس خیداو تر امیډ بیده.  
 تهر گلیم ته سفی نه سود.  
 عسکر تر قشلاق نه لهکین یو پیبخت:»  
 خونه ارباب د کجاست؟»  
 څارجین نال چودت بسر بیجه خو پاډ  
 سینت.  
 څارج ده میداورد یت ژیرت ډارگرد ته  
 قهپ ویډد.  
 خو دیوال انجهت مو حق دهک.  
 خو دومهن سینه چه ونه خو.  
 پلهس غیچ خو تر څیم انجین .  
 بهر پلهسته ته پرینتت بڼه ستن ته  
 نبنفینت.  
 کد اس خو (.....) خه بنیمونت (....) اس  
 خو کار.  
 هم مو زریخ زورت هم پیره بیند.  
 خو زمخ پردهت خوننگ کن.  
 پوسته تکنده پرینت.  
 (.....) تهر مبن بونه.

## ۲: کنایات

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن را گویند؛ اما در اصطلاح ایراد لفظ در معنی غیر حقیقی آن که همچنان میتوان معنی حقیقی را نیز بیان کرد. در زبان شغنائی تعدادی از کنایات وجود دارند که در نزد مردم در هیئت ضرب المثل در می آیند و در موردیکه ایجاب می نماید به جای ضرب المثل استعمال می شوند و سخن گوینده را جالب و مستحکم میسازند ؛ مانند:

کوه کلینشک گهر ډت دریا ډوغ.  
 در آب شناورون در کوه نخچیر.  
 چبن به قوت دهته وهم (.....) تهنگده.  
 کورک باجکین وه تربیست چود.  
 مبرخونج گرډه خوډم وینت.  
 مرډهند تر سفی کفهن هوست از عذاب  
 گور بی خبر.  
 چه خهرهم چه خهرهم خو فشتهرک یخ.  
 پورگ تر پورگ یهت نه وزد پسین ژیر  
 پس خاٹ کرهنت.  
 بنیج تر پسین خیز یهداو.  
 رزین ار دی (.....) ډیدت نحن په بیل  
 قسم خیرت.  
 وز اس خدارجت تو از ناوسار لو  
 نبتوید.  
 ډیو خورد سفحه فورجت فلونه فلون  
 چیزه.  
 پش خو فهندت پورگ خو فهند.  
 تا بخ نه وهغد نحن ورد بش نه ډید.  
 روپخک په مریج (.....) فلتاو.  
 ویف آش ویف بخین چاقت ویف کاز  
 ویف کدیند.  
 مه کدت مو څهبن.  
 شیف ار خوست گهنت.

بنو قدن بنخ.  
پسنت په غهقت دهم چک.  
رهخخته بين وه نهټد.  
کد په خدارج.  
خو چبن رو هزد  
کهل ورويچ.  
قر بنن پرثم.  
کد ټمرد ماټ.  
خرغ ارد مو شگين .  
بنفچ په درخت .  
وورجن بنبونيج.  
مويته مجاز.  
کد خو صاحب نفرید.

نوت مدیریت سیمای شغنان:

اقبال احسام ایلاف کلمهین جای ته قوس (.....) لهک چورچ. یعنی هر چه شه نباید  
فهتته. شفین د لواد- شفئالو.